

سلیم زاده سوسن: گردآورنده
ارزوهای ویکتور گوار/ متن دو زیانه، گردآورنده و ترجمه‌ی سوسن سلیم‌زاده.
قم: بخشایش، ۱۳۹۰

ISBN: 978-964-182-133-5

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات

فارسی - انگلیسی

هوگو، ویکتور، ۱۸۰۲ - ۱۸۸۵ م. - کلمات قصار.

۸۳۴/۷۰۸

PQ ۲۵۳۸/۹

۱۳۹۰

۲۲۱۹۳۶

کتابخانه ملی ایران

آرزوهای ویکتور هوگو

Victor Hugo's Wishes

گردآوری و ترجمه‌ی
سوسن سلیم‌زاده

ویراستار: شهناز یزدان‌پناه

تاریخ چاپ: ۱۳۹۱، تیرماه، ۲۰۰۰ خ.

نوبت چاپ: اول، قیمت: ۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۸۲-۱۳۳-۵

ناظر فنی: نازنین صابری

کلیه حقوق محفوظ است.

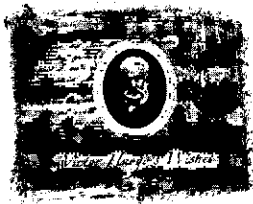
چاپخانه کتیبه

نشر بخشایش: قم، خیابان صفایی، کوی بیگدلی، پلاک ۴۳، واحد ۵

تلفن: ۷۷۲۷۵۸۳

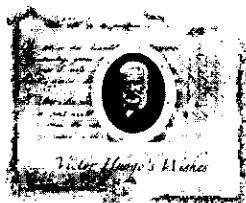
مرکز پخش: ۶۶۴۰۴۵۳۲

پیشگفتار



ویکتور مَری هوگو (Victor-Marie Hugo) (۱۸۰۲-۱۸۸۵) شاعر، نمایش‌نامه‌نویس، رمان‌نویس، مقاله‌نویس و طراح فرانسوی، از طرفداران پیش ادبی رمانتیک در فرانسه و فعال حقوق بشر نیز به‌شمار می‌رود. آوازه‌ی ویکتور هوگو در فرانسه بیش از هر چیز به واسطه‌ی اشعارش و سپس به علت رمان‌ها و دستاوردهای نمایشی‌اش است. از این رو، گاهی حتی او را برجسته‌ترین شاعر فرانسه می‌دانند. پس از انتشار

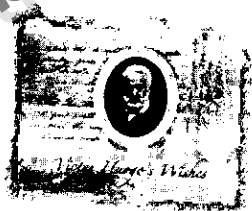
نخستین مجموعه‌ی اشعارش، به فرمان لویی هجدهم، هوگو شایسته‌ی دریافت مستمری سلطنتی شد. اشعار غنایی او که به چند مجلد می‌رسد، دارای سبکی غنی و سرشار از اصوات و ضرب‌آهنگ‌های قوی است. این دسته از اشعار هوگو گرچه باب طبع طبقه‌ی بورژوای زمانه‌ی خود به‌شمار می‌روند، لحن‌های شخصی گزنده را نیز در بر دارند. هوگو همچنین در یک شعر حماسی به بررسی سقوط شیطان پرداخته، اما آن را ناتمام باقی گذاشت. در بیرون از فرانسه، شهرت هوگو مرهون دو رمان بزرگ او، یعنی *گوژپشت نتردام* (۱۸۳۱) و *بینوایان* (۱۸۶۲) است. *گوژپشت نتردام* یک اثر تاریخی به‌شمار می‌آید. داستان آن از زمان پادشاه فرانک



عامه‌ی فرانسه شد. داستان تکان‌دهنده‌ی این رمان که درباره‌ی یک دختر کولی به نام ازمالدا (Esmeralda) و یک گوز شمت که ناقوس‌زن کلیسای نتردام و عاشق ازمالداست، پاریس سده‌ی پانزدهم میلادی را به تصویر می‌کشد، همان‌قدر نویسنده‌ی جوان هم‌دوره‌اش، هوگو نیز تحت تأثیر فرانسه و فرانسه‌ایان (François-René de Chateaubriand) چهره‌ی سرشناس ادبیات فرانسه در سده‌ی نوزدهم میلادی، از نامداران جنبش ادبی رمانتیک بود. هوگو برای پیشبرد اهداف این جنبش بشیار کوشید و از این رو، با ورود به عرصه‌ی سیاست، از حامیان نظام جمهوری شد، تا آنجا که برای موضع‌گیری‌های سیاسی‌اش، تبعید گشت. پس



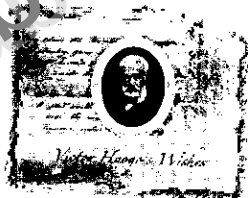
از سه بار تلاش ناموفق، ویکتور هوگو به سال ۱۸۴۱ به عضویت آکادمی فرانسه درآمد. هوگو در جوانی از طرفداران نظام پادشاهی بود. اما در دهه‌های بعد، دیدگاه‌های او دچار تغییر و تحول گردید. به یکی از هواداران مشتاق نظام جمهوری و عدالت اجتماعی تبدیل شد. به همین دلیل، او در اکثر نوشته‌هایش به موضوعات سیاسی و اجتماعی و نیز گرایش‌های هنری رمانش توجه دارد و آنها را به بحث می‌گذارد. پس از انقلاب ۱۸۴۸ که بی‌آمدش شکل‌گیری جمهوری دوم بود، ویکتور هوگو از اعضای مجمع قانون‌گذاری و قانون اساسی شد. با کودتای ناپلئون سوم به سال ۱۸۵۱، هوگو زندگی خود را در خطر دید. از



این رو به بروکسل و بعد به جزیره‌ی جرزی (Jersey) و سپس به گرنزی (Guernsey) در کانال انگلیس گریخت. تبعیدشدگی ویکتور هوگو تا بازگشت آزادی به فرانسه و استقرار جمهوری در سال ۱۸۷۰ به طول انجامید. این تبعید که شروعش با جابجایی و سپس به شکل حرکتی خودخواسته درآمد، بعد از اعلان مسئولیت‌دگی عمومی در سال ۱۸۵۹، به عملی از روی غرور تبدیل شد. هوگو یک سال در بروکسل ماند و چون پیش‌بینی می‌کرد از آنجا اخراج شود، به قلمرو انگلستان پناهنده شد. بنابراین از سال ۱۸۵۲ تا ۱۸۵۵ در جزیره‌ی جرزی ماند. با بیرون کردن او از این جزیره، هوگو به ناچار به جزیره‌ی مجاور یعنی گرنزی رفت. هوگو به‌واقع در دوره‌ی تبعید



بیست ساله اش بخش اعظم نوشته هایش و اصیل ترین آنها را آفرید. در این دوره ی ادبی پُربار، او رمان *بینوایان* را که داستانی حماسی درباره ی بی عدالتی اجتماعی است، خلق کرد. از آنجا که هوگو خود را به مسائل سیاسی مسئول کرده بود، نخستین نوشته های دوره ی تبعیدش به سر انتقادی و تاریخ معاصر اختصاص داد (۱۸۵۲). بازگشت او به شعر در سال ۱۸۵۳ در پی برون ریزش خشم بسیارش بود. مجموع اشعار این دوره ی هوگو، که عنوان «مجازات» را دارد، بیانگر خشم نشانه رفته ی او به سوی امپراطور جدید فرانسه است. از دیدگاه فنی، می توان گفت که در این مجموعه اشعار، هوگو به واقع خود را از تعصبات باقی مانده ی دوره ی کلاسیک رهانید

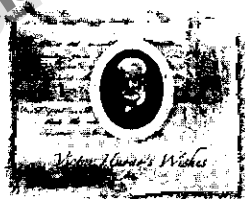


و توانست به نهایت استادی در توانایی‌های شعری‌اش دست یابد. «مجازات» را می‌توان اثر گذارترین شعر طنز انتقادی در زبان فرانسه دانست. البته همه‌ی اشعار بعدی هوگو نیز از این حدساز و قوه‌ی تخیل بهره‌مند هستند و لحن شاعر در آنها گاهی طنز، گاهی حماسی، گاهی تکان‌دهنده و اغلب نیز گزنده و پخته و بی‌خشم ملی و انفرادی است. با وجود خرسندی از سرهای سیاسی‌اش، هوگو مدتی بعد از محدودیت‌های آن خسته شد و از نو روی شعرهای ۱۸۴۰-۱۸۵۰ خود که آنها را منتشر نکرده بود، کار کرد و نام این مجموعه را «تأملات» گذارد. در این مجموعه اشعار، می‌توان سره‌ترین و تکان‌دهنده‌ترین شعرهای هوگو را جستجو کرد، زیرا خاطرات دختر



از دست رفته‌اش، در جای جای آن موج می‌زند و به‌واقع انتقال‌دهنده‌ی دنیای آشفته‌شده‌ی یک اندیشمند است: فکری در حال عذاب که با نوسان در میان تردید و ایمان، به تنهایی در پی معنا و علت است.

با شروع آشوب‌های سیاسی و برقراری جمهوری سوم، هوگو بران شد به پاریس بازگردد. هنگام استقرار مجمع پاریس، او در بروکسل زندگی می‌کرد و به علت پناه دادن به انقلابیون شکست خورده، از آنجا اخراج شد. پس از مدتی کوتاه که به پاریس پناهنده در لوگزامبورگ زندگی کرد، هوگو به پاریس بازگشت و با عنوان سناتور برگزیده شد. او در بیست و دوم مه ۱۸۸۵ در پاریس چشم از جهان فرو بست. تشییع جنازه‌ی او در سطح ملی



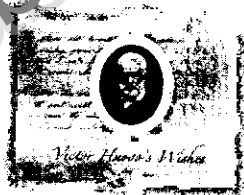
برگزار شد، و حدود دو میلیون نفر در آن شرکت جستند. مقبره‌ی ویکتور هوگو در آرامگاه مشاهیر فرانسه در شهر پاریس واقع است.

ویکتور هوگو در زمینه‌ی هنرهای بصری نیز پُرکار بود و در طول زندگی بیش از ۴۰ هزار طرح آفرید. هوگو این هنر را ابتدا به صورت تصنیفی انجام می‌داد. اما کمی پیش از آغاز دوره‌ی تبعیدش، طراحی برای او اهمیت دوچندان پیدا کرد، زیرا در این زمان بود که تصمیم گرفت دست از نوشتن بردارد و خود را کاملاً وقف سیاست کند. در فاصله‌ی زمانی ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۱، طراحی تنها مجزایِ بروزِ خلاقیت او بود. هوگو طرح‌هایش را روی کاغذ و در مقیاسی کوچک با قلم و جوهر مشکی



و قهوه ای تیره انجام می داد. گاهی نیز از سایه رنگ های سفید استفاده می کرد و به ندرت رنگ های متنوع به کار می برد. اجرا و سبک طراحی های باقی مانده از ویکتور هوگو « مدرنیستی » است که به راستی تعجب را بر نمی انگیزد، و تکنیک های تجربی از دو مکتب سوررئالیسم و اکسپرسیونیسم انتزاعی را به نمایش می گذارد.

آثار هوگو از سوی منتقدان ادبی مورد توجه بسیار قرار گرفته است. به عقیده ی ژان پل سارتر (Jean-Paul Sartre) و پل سارتر یکی از، یا بهتر بگوییم، گانه نویسنده ی حقیقتاً محبوب دانست. آندره ژید (André Gide) نیز با تکیه بر محبوبیت ماندگار هوگو، او را برجسته ترین

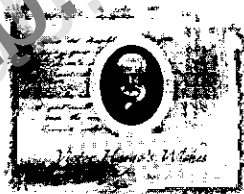


شاعر و رمان‌نویس فرانسه می‌داند. تیموتی رَزر (Timothy Raser) نیز معتقد است، هیچ نویسنده‌ای بهتر از هوگو نتوانسته حال و هوای سده‌ی نوزدهم فرانسه را به تصویر بکشد. از این رو او را سرآمد جنبش رمانتیک در شعر، نمایشنامه و ادبیات داستانی می‌دانند. برون‌داده‌های فعالیت‌های هوگو، عرصه‌ی ادبیات فرانسه به‌راستی کم‌نظیر به‌شمار می‌رود و او هر روز صبح، دست‌کم صد بیت شعر و یا بیست صفحه نثر می‌نگاشت. در سال ۱۸۳۰ او را توانمندترین خط‌فکری در جنبش رمانتیک می‌دانستند و در سال ۱۸۴۵ نیز به مقام «ملک الشعرا» نائل شد. هوگو به نقش خود در مقام فاضل قانون‌گریز پایبند ماند و الهام‌ها و نگرش‌های



پیامبرگونه‌اش را همچنان به نظم و نثر درآورد. نام او در مقام یک شاعر ملی را می‌توان دست‌کم بر روی خیابان‌های شهرهای مختلف فرانسه مشاهده کرد.

با وجود آن که آوازه‌ی ویکتور هوگو در مقام شاعر بزرگ فرانسه به هنگام مرگش در اوج خود بود، او برای ملی‌گرایان عرصه‌ی نقد منتقدان به‌دور ماند. فقط شمار اندکی از اشعارش در یادها باقی بود، اما رمان بینوایان هوگو همچنان از خواننده‌ترین اثر او به‌شمار می‌رود. وسعت انگاره‌ها و گرمی تصویرهای بیانش هنوز نیز اذهان مردم را به‌تحرك وامی‌دارد از آنجا که هوگو شاعری مردمی بود، می‌دانست چگونه باید بنویسد و در همین حال، غم‌ها و شادی‌های مشترک با مردم را بیان کند.



اما جنبه‌ی دیگری از هوگو نیز وجود دارد. پُل کلودل (Paul Claudel) به این ویژگی دیگر هوگو «تأمل هراس آور» در بهره‌ی کائنات می‌گوید و همانا هراس در بُعد ماورای طبیعت است که در شعرهای تاریک و غم‌زده‌اش مانند «پایان یک طوفان و خدا» رخنه دارد. شناسخت هوگو از منابع شعری فرانسه و نیز توانایی فنی او در تدارک وزن‌ها و قافیه‌های شعری، زمینه‌ساز رهایی شعر فرانسه از سترونی و رکود سده‌ی هجدهم شد. هوگو یکی از معدود نویسندگانی است که هم خواننده‌ی عامی و هم خواننده‌ی آگاه را به وجد می‌آورد.

